

بعد از آن بشعبه اعانه مالیه که در تحت ریاست آقای حاجی و کیل الرعايا است رفته يك جلد در روزنامه ويك جلد دفتر را که از تاريخ ۱۱ ربيع الثاني الي ۱۴ جمادى الثاني و بترتيب جديد بود بسته و تقاضای دفتر و روزنامه قبل از آن تاريخ شد دفترى را ارائه دادند بوضع سياق بر طبق آن تقاضای روزنامه او که روزی عمل اعانه بايشان رجوع شده است شد امتناع داشتند بالاخره چون روزنامه ابراز لياقت و دفتر مزبور هم خارج از ترتيب ساير دفاتر بود تقاضا شد که آن دفتر را بدهند و محاسبات آن با دفاتر وزارت مالیه مطابقه شود نخست امتناع و بالاخره برای اینکه راپورت امتناع ايشان بمجلس داده نشود اظهار رضایت نمودند آن دفتر اخذ و بسته ( يعنى علامت گذاشته ) و بمعاون وزارت مالیه سيرده شد روز دو شنبه نیز هيئت مزبوره بمالیه رفته اولاً چون در صورتی که آقای حاج و کیل الرعايا داده بودند هفتاد هزار تومان وجه داده ظل السلطان را بيانك ملی سيصد هزار تومان وجه اعانه مقبلی معزى الوالا جمع حرج کرده بودند المثنى تلگراف مورخه پنجم شعبان را که ظل السلطان بهيئت مديره کرده وجه مزبور را بهلايه سيصد هزار تومان متقبلی تقديم ملت نموده بودند از تلگرافخانه خواسته شد تا در موقع عمل محسوب داشتن آن در جزو اعانه معين می شود ثانياً آن قسمی که از دفتر اعانه از حاجی و کیل الرعايا اخذ و بمعاون وزارت مالیه سيرده شده بود مواجهه و یاد داشت شد که بعد از ملاحظه تمام محاسبات با صورت مقابله و راپورت آن تقديم شود ثالثاً صورت عايدات ضرابخانه که از مدير محاسبات کل خواسته شده بود ضبط شد تا در موقع رسيدگی شود رابعا چون حاجی و کیل الرعايا بعد از رفتن هيئت مفتشه بمجلس و هيئت وزراء نوشته بود تا يك هفته محاسبات جمعی ايشان گرفته شود و الا از قرار ماهی يك هزار تومان حقوق اخذ خواهند کرد .

تعيين تکليف بهيئت تفتيش رجوع شده و بعد از خواستن علت جواب رابه بعد از خواندن عريضه مشارالیه در مجلس موکول نمودند .

**ميرزا اسدالله خان** - برای اطلاع خاطر آقایان نمایندگان محترم لازم است عرض کنم آنهایی که اطلاع از علم دفتر داری دارند می دانند که وضع رسيدگی در ابتدا این است در هر جائی که رجوع می کنند بدفتر از همانجا دفتر را می بندند و مقصود اینست که نا آنجائی که ثبت شده است يك خطی را علامت میگذارد و رئیس آن اداره زیر خط را امضا می نماید این برای اینست که معلوم باشد که بعد از این تاریخ آنچه ثبت میشود داخل در حساب قبل از آن تاریخ نیست و اینکه در راپورت نوشته شده است که صورتی که سياق نوشته شده بود ممکن نبود بسته شود چون آن يك خطوطی است راست همان طوریکه مکرر دیده شده است که بالای آن خالی است و پائین آنهم خالی و پیمین و پيسار آنهم خالی است و هيچ ممکن نیست جائی را علامت گذارد که آنچه بعد از آن علامت نوشته میشود راجع به قبل نباشد .

**حاجی و کیل الرعايا** - اینجا بعضی مطالب است که معلوم می شود این هيئت تفتيش فقط کارشان

تفتيش در شعبه اعانه بوده است بنده هر چه از ظل السلطان گرفته ام معلوم است بنده هيچ چیزی را نمی توانم در دنيا چیز بشمارم الا شرف را و از تمام چیزها میگذرم الا شرف بنده بکنفر ایرانی هستم باشرفترین مردم و حاضر رفیع این اتهامی که بنده زدند يعنى ادعا نمایم چون این يك تهمتى است که بنده زدند و عرض میکنم برای اینکه بدانید درست کار کرده ام استدعا می کنم و بنظر انصاف بعرايض من گوش بدهید بنده الان ماهی هشتاد هزار تومان از عايدات ضرابخانه شما محل پیدا کرده ام که هر ماهه با کارى میآید يكصد و دوهزار تومان از جزیره هرمز که تا امروز دوقرانش را ندیده بودید و بيك کاغذ بيگلر بيگى و معين التجار آنهم بده دوازده هزار تومان میگذشت گرفته ام و باندازه دو کروراز گلوی مردم بیرون کشیده ام بنده خدا نبودم اینها را جمعی بودند که میخوردند بنده از حلق آنها بیرون کشیده ام و بدولت دادم يکروز نشستم درخانه و نوشتم بای مردم فلان الدوله دو هزار تومان فلان - السلطنه پنج هزار تومان فلان الملك سه هزار تومان بمديک آدم وطن خواهی مثل من بدبخت پیدا شد و از روی آن سیاهه مقصد و چهل هزار تومان وجوه اعانه جمع کرد اینها را کسی سند نسپرده بود که حالا از من حساب بخواهید تمام سیاهه و کاغذ بود من اینقدر را توانستم گرفتن شمام بروید باقی او را وصول کنید من این بولهاى را که از این اشخاص و از این عملها گرفته ام لابد اینها هم با من دشمن شده اند و باید بگویند که فلان کس فلان مقدار پول خورده مثل اینکه یکی میگوید فلان کس در خاک سرخ يكصد ويست لیره گرفته است و راپورت میدهند که ما رفیق بدفتر رسيدگی کنیم جواب دفتر شخصی است مگر من نوکر شما بودم مگر طلبی از من داشته اید منتهی بدبخت شدم و اینقدر از خدمت را بملت کرده ایم و این قدر دشمن پیدا کرده ام شما چرا قبض المثنى تلگراف ظل السلطان را میخواستید کاغذی را که اربیس بهيئت مديره نوشته و در صندوق آهنی ضبط است و در آن دو تا بيد بدولت گفته است آنرا چرا نمیخواهید بدبخت آن کسی است که میخواهد برای پیشرفت مملکت خود اینقدر دشمن از برای خودش پیدا کند و آخر سزایش این باشد در هر حال بنده از مجلس درخواست میکنم يك هيئتى را انتخاب کنند مثل اینکه بنده يكسال است شبانه روزی بيست و چهار ساعت جان میکنم و کار میکنم بیايند بهلوی من و يك بيست و چهار ساعت وقتشان را صرف نمایند تا معلوم شود که کار کن کیست و بنده اگر چون این يك تهمتى است که بنده زده شده است تا روز سه شنبه جبران این هتك شرف خود را میخوام و هيچ حاضر نخواهم بود که اینقسم اظهارات را بشنوم شما چه حقی دارید بروید باطاق من دفتر شخصی مرا تفتيش کنید مگر من نوکر شما بودم مگر من اجير شما بودم

**رئيس** - ده دقیقه تنفس است (در این موقع جلسه علنی ختم شد و بعد از تنفس ثانياً بتقاضای وزراء جلسه مخصوصی تشکیل و بيست ساعت بعد از ظهر ختم گردید .)

**جلسه ۱۱۴**

**صورت مشروح روز سه شنبه ۲۷ شهر جمادى الاخر ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مستشار الدوله تشکیل شد . صورت جلسه روز شنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود .

**دکتر علیخان** - گویا در دستور يك چیزی فراموش شده و آن اعتراضی است که من در خصوص وقت کردم و خیلی جای تعجب است که هيچ اهمیتی بوقت داده نمیشود و حال اینکه این یکی از چیزهای مهم است ملاحظه فرمائید امروز يك ساعت دير آمدیم و بعد از این يك ساعت ونیم ديرتر خواهیم آمد .

**رئيس** - این يك مطلبی است که آن روز هم فرمودید و همه هم شنیدند باید آقایان نمایندگان قدری دقت کنند که سروقت حاضر شوند این چیزی نیست که همه روزه یاد آوری شود .

**حسنعلیخان** - آنروز از طرف آقا شيخ ابراهيم زنجانی استيضاحی از هيئت وزراء خواسته بودند در دستور قيد نشده است .

**معاضد الملك** - گویا خوب التفات نفرمودید قيد شده است .

**لسان الحكماء** - بنده میخوام پیشنهاد کنم طرحی که راجع بنظامنامه داخلی ارباب کبشرو پیشنهاد کرده بودند امروز یا جلسه آتی در دستور گذاشته شود .

**رئيس** - جلسه آتی جزء دستور خواهد شد **حاجی آقا** - بنده يك استيضاحی در خصوص پروگرام از هيئت وزراء کرده بودم در جلسه گذشته هم اظهار کردم بازمی بینم امروز حاضر نشده اند برای جواب .

**رئيس** - باید توضیح فرمائید که در کدام فقره استيضاح دارید بجهت این که پروگرام وزراء دارای چندین فقره است .

**حاجی آقا** - بنده در تمام آن فقرات استيضاح دارم .

**رئيس** - یکی از فقرات آن استقراض از خارجه است در آن فقره هم استيضاح دارید آنکه گذشت و تبدیل با استقراض داخلی شد .

**حاجی آقا** - بلی در خصوص تحصیل پول استقراض داخله استيضاح دارم و عرايض من هم خیلی مفصل است .

**رئيس** - ثانياً اخطار شده است هنوز وقت آن را معين نکرده اند .

**کاشف** - در خصوص انتخاب علمائی که آقایان حجج معرفى کرده اند بنا بود اسامی آنها طبع و توزیع شود نشده است .

**رئيس** - طبع و توزیع خواهد شد .

**فهمیم الملك** - در روزنامه بوليس ایران شرحی نوشته بود راجع بانتهار الاطباء که حالا اقتضای الملك است در صورتیکه بنده هيچ یاد ندارم که چه روزی این مذاکره در مجلس شده است تا اینکه انتخاب این شخص از طرف مجلس تصدیق شده باشد و خیلی بد است که در مرکز يك همچو چیزی را



عدلیه است اگر این کمیسیون بخواهد به تمام آنها رسیدگی کند بنده عرض میکنم از دور تقنینیه هم خواهد گذشت و اگر بمقیده بنده باشد عرض میکنم روزی یک کمیسیون معین کردن فایده ندارد باید فکر درستی برای این کار کرد و همانطوریکه عرض کردم در راپورت کمیسیون اول فصلش راجع باین بود که وزیر خودش حاضر نمیشود مگر وزیر داشته باشیم مابقی مطالب اصلاح خواهد شد بدیخته این مطلب را گذاشته ایم و چه بسا بعد از این ضوابط و ثبات و از قراریکه بنده میشنوم بعضی تغییرات این روزها در عالیله داده شده اما خیلی تغییرات مضحک مثلا رئیس محکمه ابتدائی را از طهران بر میدارند میفرستند باصفهان اگر این شخص خلاف کرده است بفرستید خلاف او را معین کنید مگر اهل اصفهان گناه کرده اند که بکشخص خان باید رئیس محکمه آنها باشد و همینطور رئیس تجارت را بر میدارند رئیس محکمه ابتدائی بمنمایند در صورتیکه اگر این شخص از ترتیبات اداری مطلع نیست فرق نمیکند و اگر این شخص خلاف کار است محکمه تجارت و ابتدائی فرق نمیکند هر شغلی را که با او گذار کنید خلاف خواهد کرد این شغل و شغل دیگر ندارد و هیچ این دلیل اصلاح نمیشود و گمان هم میکنم که این اصلاحات را کمیسیون هم اطلاع نداشته باشد دیگر آنکه در باب آنهاستیکه استیفا داده اند آقای کاشف را نمیدانم میفرمایند جدا استعفا میدهد لایحه هر کس استعفا میدهد جدی خواهد بود و در کمیسیون ۱۸ نفری هم گفتند استعفا دادم ولی استعفا باید از روی پک علی باشد ولی اینکه آقای ذکاء الملک استعفا داده اند و علت را بیان نمودند که مزاجشان علیل است و نمیتواند بکارهای زیاد رسیدگی بنمایند این استعفا ایشانشان صحیح است در هر صورت باید یک ترتیبی برای اینکار داد که سه روزه در چهار این اشکالات نشویم .

**اسدالله هیرزا** - اول این جایک اظهاری شد که در راپورت یک همچو چیزی نبود فقط در یک ماده اش اشاره بترتیب محاکم و توقیف غیر قانونی احکام بود در اجرا و اینکه فرمودند این شکایات تمام ناشی از کار نکردن وزیر است آقای مشیرالدوله که خیلی وزیر صحیح قانونی بودند آیا در دوره ایشان هیچ از این مذاکرات نبود شکایات از ترتیبات عدلیه نمی نمودند بنده عقیده ام این است که دوره ایشان هم همین شکایات و ترتیبات بود البته باید وزیر قانونی داشت که ادارات را صحیحاً مرتب نماید ولی این را بنده مربوط بموضوع نمیدانم و همین طوریکه ابتداء عرض شد و بعضی از آقایان هم تصدیق کردند این هیئت از آن روزیکه رفتند تکلیفشان مصرح نبود بلکه میخواهم عرض کنم وظیفه این هیئت اسکات مردم و رسیدگی بشکایات بود وظیفه دیگری نداشتند و اگر بعضی از آقایان بفرمایند در این شکایاتی که رسیدگی شده چرا معاکم نکرده اند تمام شکایات معدود است یعنی از رؤسای معاکم و احکام معاکم است چنانچه تفصیل آن راپورت داده شد که برخلاف ترتیب قانونی رفتار شده این بود که ما از وظیفه خودمان تغلف نکرده حالا هم میگوئیم اگر این هیئت باید بنشینند باید سمت محکمه تمیزی

بنشینند و بوظایف آن عمل نمایند حالا اگر این عده باید باشند که معین شود و مجلس تصویب نمایند که مشغول باشند و اگر دیگری هم باید باشد که مجلس معین نماید در هر حال همانطوریکه عرض کردم باید اشخاصی که انتخاب میشوند این هیئت یا هیئت دیگر هر کدام باشند باید تعهد نمایند که در صورت حاضر شوند بجهت اینکه اغلب از کارهای ما که ناتمام مانده برای همین بود که حاضر نمیشدند و تقریباً همانطوریکه عرض شد نصف وقت تلف میشد بانظار اینکه عده برای مذاکره کافی شرد و همین که آقایان تشریف میاورند مشغول مذاکره میشدیم دوسه نفر میرفتند و باز عده ناقص میشد این است که بنده عرض کردم فرض گسائیکه تقبل این زحمت را مینمایند باید در صورت حاضر و قبل از اتمام مطلب خارج نشوند .

**رئیس** - امروز موقع مذاکره این مطلب گذشته است معلوم میشود اساساً باید در این خصوص مذاکره کرد و اشخاصی که اجازه خواسته اند تقریباً ۲۱ نفرند خوب است این بمناند از برای روز پنج شنبه که در اول مجلس در این خصوص مذاکره کرده نتیجه بگیریم (گفتند صحیح است و اخذ نتیجه موکول بجلسه آتی گردید)

**آقای هشترودی** یک نمره روزنامه (ایران نو) را گشوده اظهار داشتند که از قرار تلگرافی که در این ورقه درج شده است از عربستان چیزی باقی نمانده ما اینجا نشسته ایم که وزراء برای مادر این کارها چاره بکنند و حال آنکه می بینیم ابداً اقدامی نکرده اند در این صورت نمی دانم نشستن مادر اینجا چه فایده دارد .

**رئیس** - در این خصوص بنا وزارت جنک مذاکرات لازمه بعمل آمده ولی ناقص است وزیر جنک لارم میدانند که استمداد کافی اعزام نماید این عده که معین کرده بودند حالا معلوم میشود که بکار نمی خورد این است که می خواهند فوج و استمداد کافی تأمین بفرستند .

**هشترودی** - بفرمایند این تلگراف را بخوانند که همه بدانند در آنجاها چقدر خرابی شده است .  
**رئیس** - تلگرافی که بعنوان مجلس نیامده است چطور میشود قرائت کرد از آن گذشته تمام خواننده اید و میدانید خواندن فایده ندارد و باید چاره برای این کار کرد .

**بجهت** - بعد از اینکه دو بیست تلگراف از عربستان میآید حق نداریم که یکی از آن تلگرافها را تقاضا نمائیم در مجلس بخوانند پس ما چه و کجایی هستیم .

**رئیس** - عرض کردم خواندن فایده ندارد باید تاکید کرد که زودتر جلو گیری شود .

**حاجی آقا** - امروز هم وزراء نیامدند که جواب استیضاح مرا بگویند و صریح عرض میکنم اگر جلسه آتی حاضر نشوند دیگر بمجلس نخواهیم آمد .

**رئیس** - مذاکره کافی است برای اینکه وقت

گذشته است .  
موضوع مذاکرات جلسه آتی شور اول در بقیه مواد قانون ثبت اسناد راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بکارخانه چرم سازی و صابون سازی انتخاب کسر اعضای کمیسیونها  
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم گردید)

**جلسه ۱۱۳**

**صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۹ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای ممتازالدوله نایب رئیس تشکیل یافت .  
صورت جلسه گذشته را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

**آقای معز الملک** استعفانامه ذیل را قرائت نمود .  
محضر مسعود نماینده کان محترم ملت دامت تائیداتهم .

چنانکه خاطر محترم اغلب آقایان مسبوق است این بنده سه سال و هفت ماه است که داخل نماینده گی ملت شده در این مدت همیشه گرفتار زحمات کلی بوده از این جهت خستگی فوق العاده در مزاج حاصل شده است لهذا استدعا دارم استعفای بنده را از خدمت ریاست مجلس قبول فرمایند (مستشارالدوله)

**نایب رئیس** - این استعفانامه است که رئیس مرقوم فرموده و بنا بر ترتیب نظامنامه داخلی باید مجلس در تحت ریاست آقای حاج سید نصرالله تشکیل شود و این استعفا نامه خوانده شود ولی چون آقای رئیس خودشان تشریف دارند و اصرار میکنند که امروز خوانده شود این است که حالا خوانده شد و هم چنین بنا بر نظامنامه داخلی باید حالا مجلس را ختم کنیم تا اینکه در باب تعیین رئیس مذاکره نمائیم .

**حاجی میرزا آقا** - بنده درست ملتفت نشدم که آقای رئیس ار نمایندگی استعفا داده اند یا ریاست ؟

**نایب رئیس** - از ریاست .  
(آقای معاضد الملک ماده (۱۱) نظامنامه داخلی را قرائت کردند .)

(اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفاء یافت نمود منسب ترین نایبان رئیس مجلس را منعقد و استعفانامه را قرائت یافت و اعلام کرده مجلس را ختم میکنند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدداً مجلس منعقد و بطوریکه در ماده (۸) ذکر شد رئیس انتخاب میشود .)

**نایب رئیس** - حالا بموجب این نظامنامه بایستی حاج سید نصرالله حاضر باشند و در تحت ریاست ایشان مجلس منعقد شود بجهت اینکه اینجامینوسند منسبترین نایبان رئیس و چون ایشان مریض هستند ممکن است بیکر رئیس سنی انتخاب کنیم که در تحت ریاست ایشان رئیس انتخاب شود .

**حاجی آقا** - بموجب این نظامنامه باید مجلس در تحت ریاست نایب رئیس اول منعقد شود و وقتی که نیست اصلاح خواندن این صلاح نبود .

**نایب رئیس** - نایب رئیس اول و دوم ندارد هر کدام از نایبان رئیس که منسبتر باشند در حضور ایشان خوانده میشود حالا ایشان هم مریض هستند و آقای رئیس